

دوست خوب





دوست خوب

Good Friend

نویسندگان: ساره مزروعی، پرند نادى مقدم

تصویرسازی: محمد کارگر

مشاوران: دکتر علی دلخروشان، دکتر مرتضى وجدان، مصطفى شاهين فر،

جواد محمد نژاد، حمیدرضا ا... پور، فریده نصیری

ترجمه: گروه مترجمان نشر چهار درخت

امور فنى: مهدى مرتضوى

ناشر: نشر چهار درخت

محل نشر: بیرجند

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

امور فنى: نشر چهار درخت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۱-۰۳-۰

قیمت: رایگان

حقوق این اثر متعلق به مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی بیرجند است.



مرکز مدیریت حوادث
و فوریت‌های پزشکی بیرجند

بیرجند، خیابان غفاری، دانشگاه علوم پزشکی معاونت درمان

مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی بیرجند

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۸۱۳۱۶-۳۲۳۸۱۳۱۵-۳۲۳۸۱۳۱۸

www.ems.bums.ac.ir

سرشناسه: مزروعی، ساره، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: دوست خوب = Goed Friend / نویسنده ساره مزروعی،

پرند نادى مقدم؛ تصویرسازی محمد کارگر؛ ترجمه گروه مترجمان نشر چهار درخت؛

ابرای [مرکز فوریت‌های پزشکی بیرجند.

مشخصات نشر: بیرجند: نشر چهار درخت، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۷ ص: مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۱-۰۳-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: فارسی - انگلیسی

یادداشت: گروه سنی: ب.ج.

موضوع: امداد رسانی - داستان

Disaster relief -- Fiction

موضوع: تلفن - خدمات گزارش تلفنی

Telephone -- Emergency reporting systems

موضوع: اورژانس

Emergency medical services

شناسه افزوده: نادى مقدم، پرند، ۱۳۶۰ -

شناسه افزوده: کارگر، محمد، ۱۳۶۳ - تصویرگر

شناسه افزوده: نشر چهار درخت

شناسه افزوده: مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی. مرکز مدیریت حوادث

و فوریت‌های پزشکی بیرجند

رده بندى ديويى: ۱۳۹۵/۰۲/۴۹۸۱۶۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۶۷۹۸۸



نشر چهار درخت

بیرجند - خیابان معلم - بین معلم ۴۴ و خیابان ۱۵ خرداد

انتشارات چهار درخت

تلفن: ۰۵۶-۳۲۴۳۲۲۸۶ - همراه: ۰۹۱۵ ۵۶۱ ۷۱۵۵

www.4derakht.ir

سلام بچه های عزیز

من دکتر کولیوند، رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی کشور هستم.

ما اورژانسی ها شبانه روز در حال تلاش هستیم و سعی می کنیم در هنگام بروز حادثه و بیماری ها، سریعاً خودمان را به مردم برسانیم تا زودتر شدن بیماری آن ها جلوگیری و به بهبودشان کمک کنیم.

هدف ما از ارائه این کتاب داستان، آموزش به شما عزیزان ایران است تا شما بتوانید در هنگام بروز این گونه مشکلات در رفع و کمک به نجات جان یک انسان به ما کمک کنید.

توصیه من به شما عزیزان برای نجات جان اطرافیان در هنگام بروز حادثه این است که با شماره ۱۱۵ تماس بگیرید و یا به بزرگ ترها اطلاع دهید تا آن ها با این شماره تماس بگیرند و همکارانم را در جریان قرار دهند.

فراموش نکنید که هر لحظه برای فرد آسیب دیده مهم است و سرعت تماس شما نقش مهمی را در نجات فرد ایفا می کند.

قهرمان های کوچک و مهربان، امیدوارم همیشه سالم و شاد باشید.

من روی همکاریتان حساب می کنم.

سلام دوستان خوب من؛

کتابی که پیش روی شماست گوشه ای از تلاش همکاران خوب من در مرکز فوریت های پزشکی را روایت می کند. همکاران زحمت کشی که شبانه روز در تلاش هستند که آرامش و سلامتی را به شما و خانواده تان هدیه کنند.

دوستان من، همیشه سعی کنید در موقع خطر و بیماری از افرادی کمک بگیرید که برای این کار تخصص و آمادگی دارند، به ویژه در مسائلی که سلامتی افراد در میان است. به همین منظور همکاران من در مرکز فوریت های پزشکی به صورت شبانه روزی آماده باش هستند که اگر مشکلی برای سلامتی شما و خانواده تان بوجود آمد با شماره تلفن ۱۱۵ با آن ها تماس بگیرید. هوشیاری شما در مواقع بروز حادثه، حفظ خونسردی و تماس سریع و به موقع با شماره تلفن ۱۱۵ می تواند بزرگترین و مهمترین همکاری شما با ما در نجات بیمار باشد.

ما به کمک و همیاری شما عزیزان نیاز داریم تا دست در دست هم، زندگی را به هم میهنان خود هدیه کنیم.

دکتر قائمی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات درمانی بیرجند



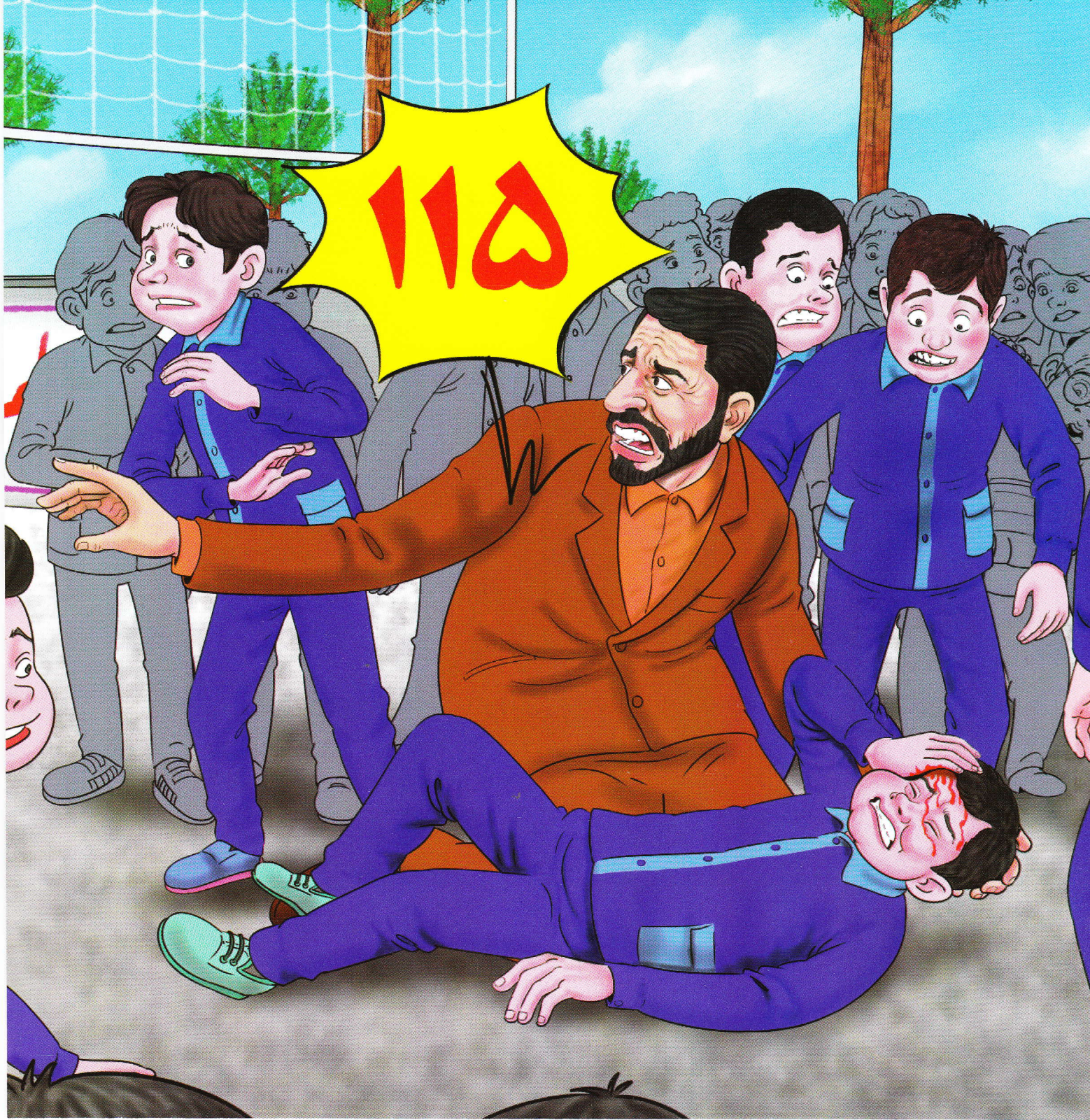
زنگ تفریح بود و بچه‌ها در حیاط مدرسه هر یک مشغول کاری بودند. عده‌ای فوتبال بازی می‌کردند، گروهی در حال بالا و پایین پریدن بودند، بعضی از بچه‌ها هم مشغول درس خواندن.

آقای ناظم هم طبق معمول توی حیاط مدرسه راه می‌رفت و به بچه‌هایی که در حال دویدن و بازی کردن بودند تذکر می‌داد که مواظب خودشان باشند و کمتر شیطنت کنند.

In the break time, all students were doing something in the school yard: some of them were playing soccer, some were jumping and some students were studying. As usual, the Schoolmaster was walking and advising the playing students to take care of themselves.







در بین هیاهو و سرو صدای بچه‌ها، سعید نفس زنان به سمت آقای ناظم آمد و گفت: آقا اجازه! رضا رفیعی در زمین ورزش افتاده و سرش خونی شده.

ناظم تا این خبر را شنید بی‌معطلی به سمت زمین ورزش رفت. سعی کرد بچه‌ها را از اطراف رضا دور کند و به یکی از آن‌ها گفت: فوراً به دفتر برو و به آقای مدیر بگو با اورژانس ۱۱۵ تماس بگیرند.

In the meantime, Saeed came to the Schoolmaster and told him breathlessly: «Sir, Reza Rafiee fell to the ground and broke his head. As the Schoolmaster heard that, went to the sports ground besides Reza. He tried to draw off the students from around Reza and told one of them to go to the school office immediately and ask the dean to call 115.

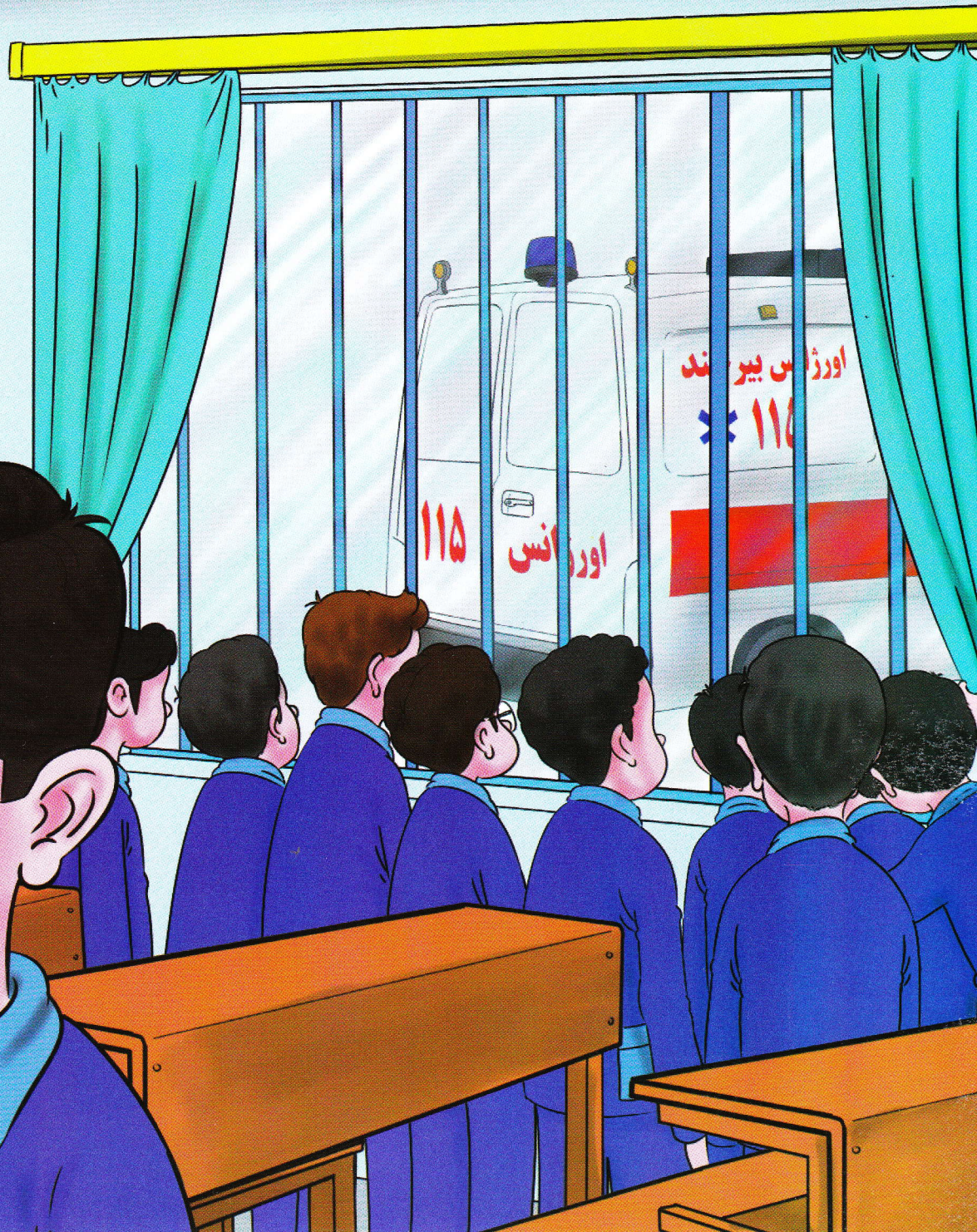


هنوز حرف آقای ناظم تمام نشده بود که آقای مدیر کنار رضا نشست و گفت: نگران نباشید اورژانس در راه است، ضمناً با پدر رضا هم تماس گرفتم. زمانی نگذشت که صدای آمبولانس در حیاط مدرسه پیچید و تکنسین‌های اورژانس بعد از انجام کمک‌های اولیه و بررسی حال رضا، او را به آمبولانس منتقل کردند و به سمت بیمارستان رفتند.

Before he finished speaking the dean came and sat besides Rosa and said: »do not worry the emergency service is coming. I also called Reza's father.«
After a short while, the ambulance alarm was heard. After initial actions done, Reza was taken to the ambulance and was rode to the hospital.





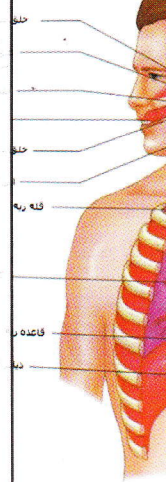




بچه‌ها از پشت پنجره کلاس‌هایشان به بیرون خیره شده بودند. سعید نگران دوستش بود و امیدوار بود که حالش خوب شود. آقای رفیعی، پدر رضا به مدیر و ناظم مدرسه در مورد بیماری رضا اطلاع داده بود. رضا یک بیمار هموفیلی بود و در صورتی که صدمه‌ای می‌دید که باعث خونریزی می‌شد، باید فوراً به بیمارستان انتقال پیدا می‌کرد.

Students were looking at the ground surprisingly from their classes.

Saeed was worried about his friend and hoped he gets healthy very soon. Mr. Rafiee- Reza's father had warned the dean and the Schoolmaster about his illness earlier. Reza was a hemophilia patient and if he bled he must be taken to the hospital immediately.



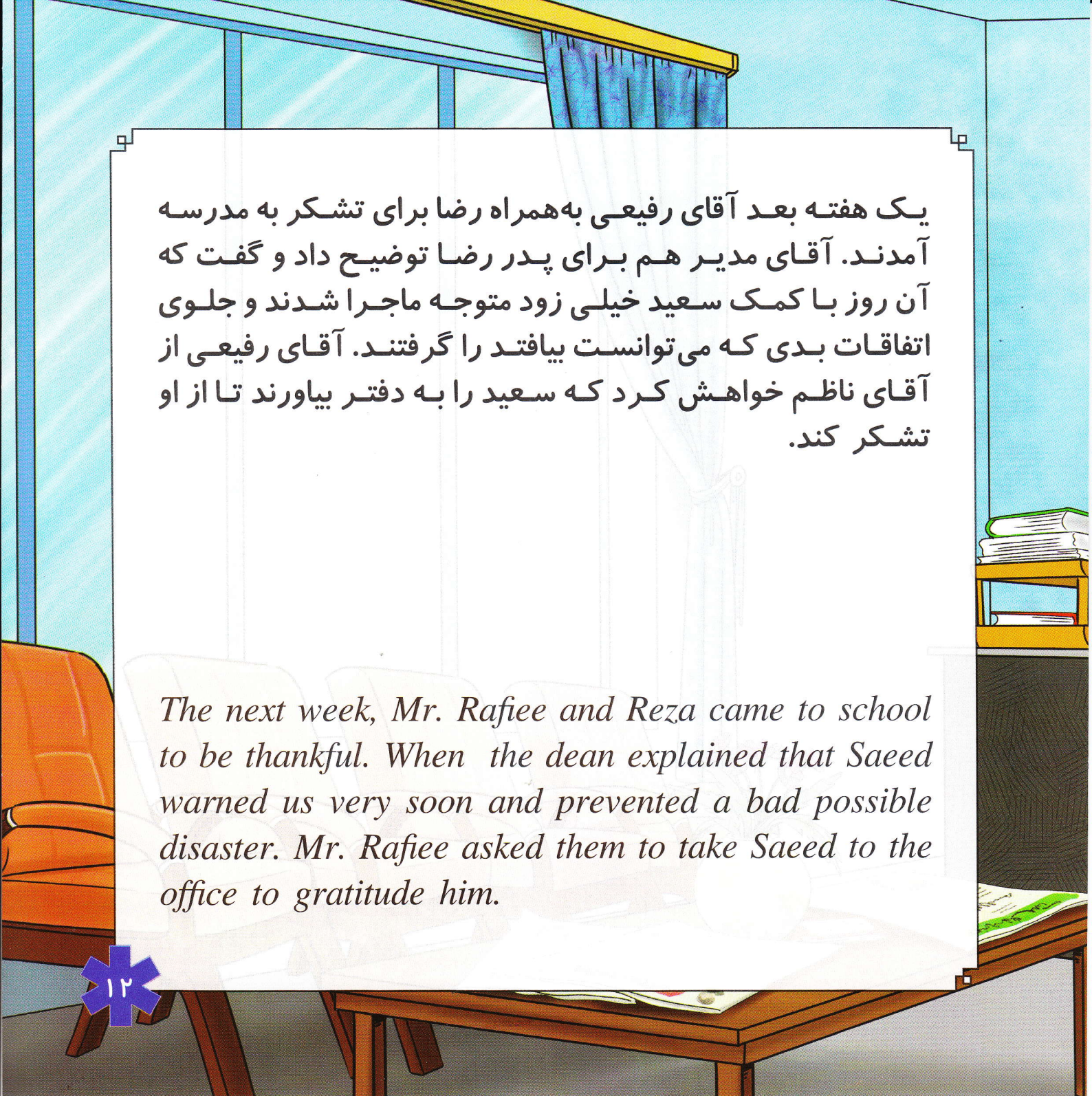
صبح روز بعد آقای ناظم بعد از مراسم صبحگاهی به دفتر رفت و از آقای مدیر پرسید: شما چطور به این سرعت متوجه اتفاقی که در حیاط برای رفیعی افتاد شدید؟ آقای مدیر گفت: سعید بعد از این که خبر مجروح شدن رضا را به شما داد، فوراً به دفتر آمد و از من خواست با ۱۱۵ تماس بگیرم و جریان را برایم توضیح داد، همان طور که می دانید پدر سعید در اورژانس ۱۱۵ کار می کند.

The next morning after the ceremony, the Schoolmaster went to the school office and ask the dean: » how were you informed about the disaster that happened to Rafiee so rapidly? » He replied that after he told you everything, he came to the office and explained what happened, then he asked me to call 115. You know his father works at Emergency Services - 115.









یک هفته بعد آقای رفیعی به همراه رضا برای تشکر به مدرسه آمدند. آقای مدیر هم برای پدر رضا توضیح داد و گفت که آن روز با کمک سعید خیلی زود متوجه ماجرا شدند و جلوی اتفاقات بدی که می توانست بیافتد را گرفتند. آقای رفیعی از آقای ناظم خواهش کرد که سعید را به دفتر بیاورند تا از او تشکر کند.

The next week, Mr. Rafiee and Reza came to school to be thankful. When the dean explained that Saeed warned us very soon and prevented a bad possible disaster. Mr. Rafiee asked them to take Saeed to the office to gratitude him.

با ورود سعید به دفتر، آقای رفیعی به سمتش رفت و او را در آغوش گرفت، از او تشکر کرد و گفت: تو دوست خوبی هستی، رضا به لطف تو حالش خوب شد.

سعید گفت: من وظیفه خودم را انجام دادم، چون می دانستم خونریزی برای رضا خطرناک است. پدرم تکنسین اورژانس است و به من و خواهرم گفته بود که هر وقت متوجه شدیم کسی آسیب دیده و نیاز به کمک دارد، فوراً با ۱۱۵ تماس بگیریم.

When Saeed entered, Mr. Rafiee went towards him and hugged him, thanked him and told: »you are a good friend. Because of your kindness Reza is healthy at the moment.« Saeed told: » I did my job because I knew bleeding is dangerous for Reza. My father is a technician in emergency services and told my sister and me: » whenever we realized someone is hurt and needs help, we should call 115 immediately.«





فردای آن روز پدر سعید، به دعوت آقای مدیر در مراسم
صبحگاه حاضر شد و ضمن معرفی اورژانس ۱۱۵، آموزش‌های
لازم را به بچه‌ها در مواقع روبه‌رو شدن با خطر داد.
آن روز برای همه بچه‌ها روز خوبی بود.

*The following day Saeed's father was invited to the
mourning ceremony of the school by Mr. Dean. He
introduced emergency services and gave required
directions to the student for facing Danger. That was
a wonderful day for all the students.*

حوادث و بیماری‌ها یکی از مسایلی است که انسان‌ها در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شوند. حوادث ممکن است طبیعی (زلزله، سیل و ...) و یا انسان‌ساز باشند (حوادث ترافیکی) که منجر به خسارات جانی و مالی خواهند شد. لذا برای پیشگیری و مقابله با اثرات مخرب آن‌ها علاوه برداشتن اطلاعات در خصوص نحوه برخورد با اثرات حوادث، باید همیشه آماده بود. آشنایی با اورژانس ۱۱۵ و نحوه عملکرد آن‌ها یکی از مقوله‌های مهم در این راستا است.

اورژانس ۱۱۵ با هدف خدمت‌رسانی به بیماران و مصدومین در مورد فوریت‌های پزشکی، سال ۱۳۵۴ در کشور ایران راه‌اندازی شد که از آن زمان تا کنون بصورت رایگان و شبانه‌روزی در حال فعالیت در سطح کشور می‌باشد.

برای استفاده از خدمات اورژانس ابتدا باید با شماره ۱۱۵ تماس بگیرید و شرح حال دقیقی از وضعیت بیمار یا مصدوم بدهید، در صورتی که کارشناسان اتاق فرمان فوریت‌های پزشکی تشخیص بدهند که این مورد جزء موارد اورژانسی می‌باشد، اقدام به گرفتن آدرس از شما خواهند کرد. سپس آمبولانس به محل حادثه اعزام خواهد شد.

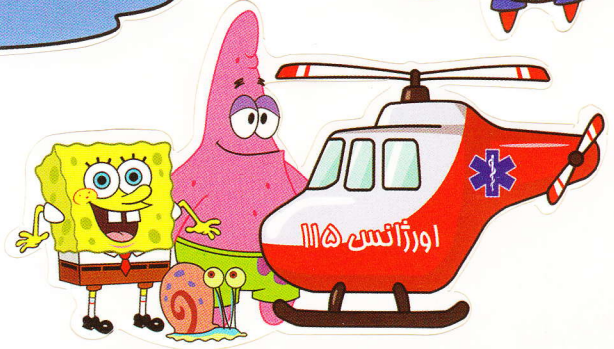
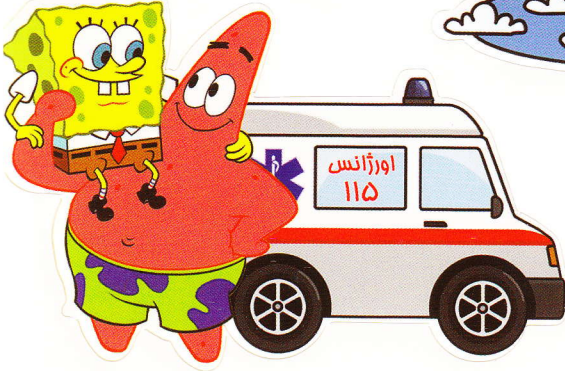
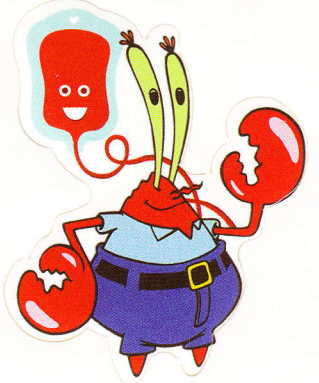
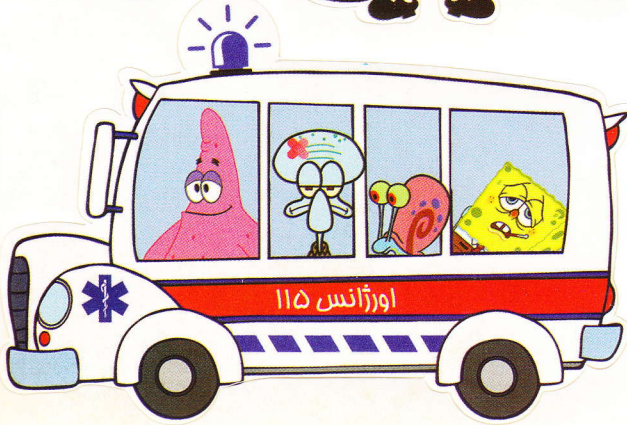
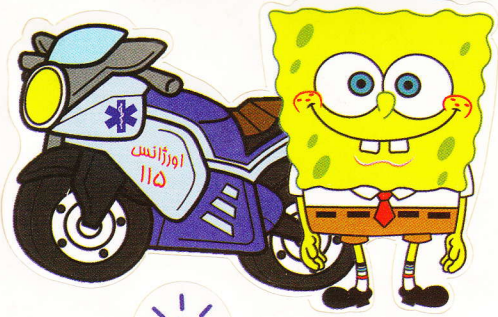
فوریت‌های پزشکی به مواردی گفته می‌شود که چنانچه در اسرع وقت به وضعیت بیمار یا مصدوم رسیدگی نشود ممکن است باعث فوت یا نقص عضو دائم وی گردد. بهتر است تا رسیدن تکنسین‌های اورژانس، بیمار را در وضعیت راحتی قرارداد و به توصیه‌های پزشک یا کارشناسان اتاق فرمان فوریت‌های پزشکی عمل کرد.

با توجه به اهمیت شروع آموزش در سنین پایین (یادگیری سریع‌تر و پایدارتر)، در این مجموعه سعی شد تا کودکان و نوجوانان با فعالیت اورژانس ۱۱۵ و نحوه برخورد با بیمار یا مصدوم آشنا شوند.





مرکز مدیریت حوادث
و فوریت‌های پزشکی کشور



اورژانس ۱۱۵

آرامش بخش لحظه های اضطراب



دانشگاه علوم پزشکی و
خدمات بهداشتی درمانی بیرمجد



مرکز مدیریت حوادث
و فوریت های پزشکی کشور



جمهوری اسلامی ایران
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

ISBN: 978-600-8421-03-0



9

786008

421030



شهر قحط